

تحلیل اثر تأمین مالی خرد بر فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران

شهریار زروکی*

مستانه یدالهی اطاقسرا**

علی توسلی نیا***

مرتضی سحاب خدامرادی****

DOI: 10.22096/ESP.2023.529697.1518

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹]

چکیده

تأمین مالی خرد تلاشی برای تخفیف فقر و بهبود وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد از طریق ارائه خدمات مالی خرد است؛ از این رو پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر تأمین مالی خرد بر احتمال خروج از فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران می‌پردازد. بدین منظور نخست با بهره‌گیری از ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۸ و بر پایه روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوار، خط فقر به صورت کلی و استانی محاسبه شد. پردازش اولیه نشان داد میزان خانوارهای فقیر در میان خانوارهای برخوردار از تسهیلات مالی به مراتب کمتر از این میزان در خانوارهای محروم از این تسهیلات است. در پایان، برآورد الگوی پژوهش بر مبنای داده‌های شبه تابلویی و به روش اثرات تصادفی در رگرسیون لجستیک در قالبی جداگانه در کل کشور، مناطق شهری و روستایی انجام شد. نتایج حاکی از تأثیر معکوس تسهیلات مالی بر احتمال فقر خانوارها است؛ به نحوی که اندازه اثر مطلوب تأمین مالی در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. همچنین مرد بودن، سن و سطح تحصیلات سرپرست خانوار اثر معکوس و مجذور سن سرپرست و بُعد خانوار، اثر مستقیم بر احتمال فقر خانوارها دارد؛ بدین نحو که اثرگذاری مطلوب تسهیلات، سن و تأثیر نامطلوب بُعد خانوار بر احتمال فقر خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است.

واژگان کلیدی: تأمین مالی خرد؛ داده‌های شبه تابلویی؛ فقر؛ مناطق شهری و روستایی.

طبقه‌بندی موضوعی: I32, G21, C23.

* دانشجویار گروه اقتصاد انرژی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. «نویسنده مسئول» Email: Sh.zaroki@umz.ac.ir

** دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Email: mastaneh.yadolahi@yahoo.com

*** دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. Email: alitavassoli1994@gmail.com

**** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. Email: sahab@razi.ac.ir



۱. مقدمه

فقر مسئله‌ای جهانی است که به طور گسترده محققان در مورد آن بحث کرده‌اند و از مدت‌ها قبل به مثابه مرکز اصلی سیاست‌گذاری‌ها به شمار می‌رود.^۱ از بین بردن فقر و به وجود آوردن شرایط مناسب برای زندگی همه افراد جامعه از مهم‌ترین اهداف دولت است. در اصل ۴۳ قانون اساسی و نیز ماده ۱۰۰ قانون جامع و سند چشم‌انداز توسعه کشور در آینده برای تعیین خط فقر، تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب، ساماندهی نظام خدمات و حمایت‌های اجتماعی تأکید شده است. به دنبال این هدف ابزارها و راهکارهای متفاوتی به کار گرفته شده است که از جمله آنها می‌توان به توزیع سهام عدالت، کاهش نرخ سود بانک‌ها، تغییر در ترکیب بودجه کشور و تأمین مالی خرد اشاره کرد. هرچند تمام راهکارهای فوق با هدف ایجاد عدالت در بین همه افراد جامعه بوده است؛ ولی به دلیل وجود مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران، برخی از راهکارهای فوق منجر به تنزل موقعیت اقتصادی در بعضی بخش‌های اقتصاد شده است.^۲ عدم موفقیت در کاهش فقر تغییر در تفکر مربوط به توسعه را به وجود آورده و سبب ظهور تأمین مالی خرد شده است.^۳ مالیه خرد که تلاشی برای یاری رساندن به فقرا و بهبود بخشیدن معیشت اقشار کم‌درآمد از طریق ارائه خدمات مالی خرد و محدود و با رویکردی ارتقادهنده و خوداتکا (به جای رویکرد حمایتی) تعریف می‌شود، پدیده‌ای نوظهور است که در نیمه دهه ۱۹۸۰ از میان تعارض استراتژی‌های قبلی توسعه مالی نمودار شد. در طول دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استراتژی‌های متداول توسعه بر پایه مدل رشد اقتصادی قرار داشت و صنعتی‌شدن و سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع را موتور رشد می‌دانست. پس از گذشت چند سال از اجرای این سیاست‌ها مشخص شد استراتژی رشد در ایجاد توسعه و کاهش فقر شکست خورده است.^۴ رشد فقر منجر به تغییرات بزرگی در استراتژی توسعه در آغاز دهه ۱۹۷۰ شد و رویکردی جدید با تأکید بر کاهش فقر و توسعه روستایی آغاز به کار کرد. این دوره شاهد موجی از برنامه‌های اعتباری (یارانه دولتی)، به بخش‌های روستایی بود؛ ولی برنامه‌های اعتبار روستایی نیز با شکست روبه‌رو شد. شکست طرح‌های حمایتی و یارانه‌ای دولت‌ها را به سمت به کارگیری استراتژی‌های غیر یارانه‌ای و بازاری سوق داد. دیدگاه غالب در آن زمان تدارک اعتبارات به وسیله بخش خصوصی

1. Akhtar Naeem, Abdul Quddus, and Zoya Khanam, "An Empirical Analysis of the Impact of Microfinance on Poverty Alleviation: (A Case Study of District Sahiwal)," *International Review of Social Sciences* 2, no.12 (2015): 540-548.

۲. نرگس خاکی، «کاهش فقر و تأمین مالی خرد (مطالعه موردی بانک کشاورزی)»، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار ۲، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۸): ۱۱۱-۱۳۶.

3. Attiya Yasmin Javid, and Afsheen Abrar, "Microfinance institutions and poverty reduction: A cross regional analysis," *The Pakistan Development Review* 54, no. 4 (2015): 371-387.

4. Pade Badru, "International banking and rural development: The World Bank in Sub-Saharan Africa," *Routledge*, (1998): 94-97.

و بر اساس نرخ‌های بازار بود. در این شرایط ایده‌آلیه مالی خرد به منزله راهی برای ارائه خدمات مالی به فقرا به‌آرامی شکل گرفت، اما رویکرد جدید، هدف اصلی خود را ارائه خدمات مالی به فقرا با شرایط آسان و بر اساس نرخ‌های بازاری قرار داده بود و بر اساس آن بهبود وضع محرومان به واسطه تلاش خودشان دنبال می‌شد. مالیه خرد توانست مشکلات بزرگ تمامی رویکردهای حمایتی بعد از جنگ جهانی دوم را مرتفع کند. این رویکرد در حال حاضر به عنوان استراتژی مسلط ارائه خدمات مالی به فقرا در نقاط مختلف جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۵ در ایران نیز چون دیگر کشورها، نهادهای مختلفی به ارائه خدمات مالی خرد پرداخته‌اند تا بدین وسیله خانواده‌های فقیر را یاری کرده و امکان دسترسی آنها به خدمات مالی را فراهم آورند. از جمله این نهادها صندوق خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) است. هرچند رویکرد کلی کمیته امداد، رویکردی حمایتی نسبت به فقرا است؛ اما صندوق خودکفایی رویکردی ارتقادهنده را برگزیده و هدف خود را خودکفاد کردن خانوارهای تحت پوشش قرار داده است. با توجه با اهمیت موضوع فقر و تأثیر احتمالی که می‌تواند از تأمین مالی خرد بپذیرد، این مطالعه قصد دارد تا اثر تأمین مالی خرد بر فقر خانوارهای ایرانی به تفکیک مناطق شهری و روستایی را با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۸، از طریق بهره‌گیری از روش داده‌های شبه تابلویی مورد بررسی قرار دهد. در واقع فرضیه اصلی پژوهش آن است که دریافت تسهیلات مالی تأثیر منفی و معنادار بر احتمال فقر خانوارها دارد و فرضیه مقابل آن، عدم معناداری تأثیر تسهیلات مالی بر احتمال فقر خانوارها است. ادامه ساختار مقاله بدین صورت سازمان‌دهی شده است که در بخش دوم ادبیات نظری مرتبط با پژوهش ارائه می‌گردد و مروری بر مطالعات پیشین داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. پس از آن در روش پژوهش، نحوه محاسبه خط فقر و شناسایی خانوارهای فقیر از غیر فقیر ارائه می‌گردد. در ادامه، پردازش اولیه و توصیف داده‌ها انجام می‌شود، سپس ضمن برآورد مدل به شیوه حداکثر درست‌نمایی نتایج پژوهش و راهکارها ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری

۲-۱ فقر

تعاریف متفاوتی از فقر صورت گرفته است؛ به طور کلی که افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها، شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند.^۶ مفهوم فقر زمانی معنا

5. Jonathan Morduch, "The microfinance promise," *Journal of Economic Literature* 37, no. 4 (1999): 1569-1614.

6. Peter Townsend, "A sociological approach to the measurement of poverty—a rejoinder to Professor Amartya Sen," *Oxford Economic Papers* 37, no. 4 (1985): 659-668.

پیدا می‌کند که در برابر غنا و توانگری مطرح شود و گرنه فقر به تنهایی مفهوم خاصی نخواهد داشت. وقتی فقر به منزله مفهومی در برابر توانگری مطرح می‌گردد، بیانگر نابرابری‌هایی بین انسان‌ها می‌شود که این نابرابری‌ها مفهوم فقر را روشن می‌سازند؛ به طور کلی تعریف‌های مختلفی از فقر وجود دارد که همه این تعاریف به نوعی به محرومیت اشاره دارند. با این حال خود مفهوم محرومیت هم یک مفهوم اجتماعی و نسبی است و بر اساس هنجارهایی تعیین می‌شود که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف کاملاً باهم فرق داشته باشند.^۷ فقر مفهومی به مراتب وسیع‌تر از صرف نداشتن پول دارد و اگر به روش‌های سنتی اندازه‌گیری شود به درصدی از مردم اشاره می‌کند که درآمد یا مصرف آنها زیر خط فقر است که برحسب شاخص‌های استاندارد زندگی به دست آمده است. خط فقر ممکن است به روش‌های مختلف نظیر روش نیازهای اساسی، روش نسبت غذا، روش درصدی از میانگین درآمد، روش صدک تعریف شود. خط فقر عبارت است از مخارجی که هر فرد در زمان و مکان معین برای دسترسی به سطح حداقل رفاه محتمل می‌شود. خط فقر دارای دو مفهوم مطلق و نسبی است که انتخاب هر یک از این دو در سیاست‌های عملی فقرزدایی اهمیت دارد.^۸ فقر مطلق (Absolute Poverty) یعنی نبود حداقل‌های معیشت، در حالی که فقر نسبی یعنی پایین بودن سطح زندگی نسبت به متوسط جامعه. در واقع خط فقر مطلق یعنی خط فقری که مبتنی بر رفاه هر فرد (خانواده) مستقل از شرایط دیگر افراد جامعه باشد. مفهوم استقلال شرایط فرد (خانواده) از جامعه و دیگر افراد (خانواده‌ها) نقطه تمایز بین خط فقر نسبی و مطلق است و فقر نسبی (Relative Poverty) اصولاً بالاتر از فقر مطلق قرار دارد و روش محاسبه آن نیز تقریباً ساده‌تر است گرچه مبانی نظری قوی نیز در این زمینه وجود ندارد. این نوع فقر در مواردی مصداق دارد که سطح زندگی فرد در مقایسه با متوسط شرایط درآمدی جامعه از وضعیت مناسبی برخوردار نباشد. این نوع تعریف از فقر کاملاً در ارتباط با جامعه و نسبت به جامعه است. فقر نسبی به منزله ناتوانی از احراز سطح معیشت خاصی که در جامعه فعلی یک فرد لازم یا مطلوب خود تشخیص می‌دهد تعریف شده است.^۹

۲-۲ تأمین مالی خرد و فقر

تعاریف گوناگونی از تأمین مالی خرد ارائه شده است، ولی همه آنها در سه محور خدمات متنوع مالی مناسب، اندازه خدمات (کوچک‌مقیاس) و گروه هدف (خانوار فقیر و کم‌درآمد) مشترک

۷. هنگامه مزددرانی، حسین وزیری سنا و مژگان رضایی، «فرهنگ فقر مانعی برای رسیدن به توسعه پایدار»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی (پاییز ۱۳۹۴): ۴-۷.

۸. خاکی، «کاهش فقر و تأمین مالی خرد (مطالعه موردی بانک کشاورزی)»، ۱۱۱-۱۳۶.

9. Lorenzo Giovanni Bellù and Paolo Liberati, "Impacts of policies on poverty. Absolute poverty lines," *Munich Personal RePEc Archive*, no. 44647 (2005): 1-22.

است.^{۱۰} برنامه‌های تأمین مالی خرد، در نیمه دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد؛ بنابراین می‌توان تأمین مالی خرد را یک پدیده نوظهور دانست. به طور کلی ادبیات موجود در مورد تأثیر تأمین مالی خرد را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول تأثیر تأمین مالی خرد بر فقر را بررسی می‌کند.^{۱۱} دسته دوم ادبیات به تأثیر تأمین مالی خرد در توانمندسازی زنان می‌پردازد و دسته سوم مطالعات سایر تأثیرات مالی خرد را تأکید می‌کند، مانند تأثیرات بر آموزش، بهداشت، تغذیه، سطح مصرف و ساخت دارایی‌ها.^{۱۲} بدیهی است که تأمین مالی خرد به مثابه ابزاری برای کاهش فقر ظهور کرده و بنابراین به طور گسترده در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به کار گرفته می‌شود.^{۱۳} در نظری جامع می‌توان بیان کرد که ظهور و گسترش سریع تأمین مالی خرد می‌تواند نتیجه استراتژی‌های ضعیف قبلی توسعه و به طور خاص استراتژی‌های مربوط به توسعه مالی باشد. تأمین مالی خرد توانست، بر مشکلات عمده تمامی رویکردهای بعد از جنگ جهانی دوم در مورد توسعه مالی غلبه کند. مثلاً از جمله این مشکلات، یکی محرومیت بخش فقیر جامعه از دسترسی به خدمات مالی و دیگری وابستگی مداخلات سیاسی به کمک هزینه و در نتیجه مواجهه با پایداری مالی کم بود. در طول دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ استراتژی متداول توسعه بر پایه مدل نوگرایی، وجود داشت که رشد اقتصادی را هدف اصلی توسعه می‌دانست و به صنعتی‌شدن و سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع به عنوان موتورهای رشد می‌نگریست. در این دوره توسعه مالی بیشتر با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی مانند راه‌آهن، برق و ارتباطات همراه بود؛ بنابراین اثر چکه‌ای مورد انتظار ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذار برای تعداد بسیار زیادی از فقرا کشورهای در حال توسعه محقق نشد؛ زیرا بیشتر سرمایه در پروژه‌های غیر سودآور هزر رفت یا به وسیله منتخبان فاسد مصرف شد.^{۱۴} تمامی استراتژی‌های توزیع مجدد و نیازهای انسانی شامل برنامه‌های اعتباری روستایی با سیاست‌های تعدیل ساختاری در دهه ۱۹۸۰ جایگزین شد. بحران بدهی‌ها و بالا گرفتن نئولیبرالیسم در جهان غرب، کشورهای در حال توسعه را وادار کرد که اصلاحاتی در ایجاد بازار آزاد و حداقل‌سازی فعالیت‌های دولت در بسیاری از بخش‌ها صورت دهند. در این مفهوم، استراتژی توسعه دهه ۱۹۸۰ نه تنها با ترویج ارائه اعتبار بر پایه بازار، بلکه با اثرات منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری بر فقر و نابرابری شهر و روستا، تقویت‌کننده ایده تأمین مالی خرد بود. این مسئله

۱۰. محمدجواد محقق‌نیا و علی‌اکبری باوفا گلپان، «شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷، شماره ۶۵ (تابستان ۱۳۹۶): ۱۹۹-۲۲۲.

11. Gwendolyn Tedeschi, "Microfinance: assessing its impact on microenterprises," *Contemporary Microenterprise: Concepts and Cases* (2010): 116-128.

12. Supriya Garikipati, "Microcredit and women's empowerment: Through the lens of time-use data from rural India," *Development and Change* 43, no. 3 (2012): 719-750.

13. Stephen B DeLoach and Erika Lamanna, "Measuring the impact of microfinance on child health outcomes in Indonesia," *World Development* 39, no. 10 (2011): 1808-1819.

۱۴. محقق‌نیا و اکبری باوفا گلپان، «شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران»، ۱۹۹-۲۲۲.

همچنین در منظری وسیع‌تر از توسعه در اهداف توسعه هزاره، به عنوان چهارچوب جاری توسعه، نمود یافته است. ریشه‌کن‌سازی فقر و توانمندسازی زنان به منزله دو هدف از هشت هدف هزاره، نمونه‌ای بر فاکتورهای اجتماعی و انسانی توسعه است؛ که به وسیله تأمین مالی خرد پشتیبانی می‌شود؛ زیرا تأمین اعتبار به فقیرترین اقشار جامعه فرصت‌های اقتصادی را برای آنها ایجاد می‌کند که منجر به کاهش فقر و رفاه می‌شود؛ بنابراین تأمین مالی خرد به مثابه ابزاری قابل توجه برای کاهش فقر عمل می‌کند زیرا اشتغال و درآمدزایی ایجاد کرده و رفاه اجتماعی را در بین اقشار ضعیف جامعه ارتقا می‌دهد؛ بنابراین نهضت تأمین مالی خرد از میان تعارض ایده‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف که تا به امروز نیز تأمین مالی خرد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، بروز یافته است. امروزه تأمین مالی خرد، هم به وسیله ایدئولوژی نئولیبرال و هم به وسیله طرفداران دیدگاه از پایین به بالا پشتیبانی می‌شود.^{۱۵}

۲-۳ سایر عوامل اثرگذار بر فقر

الف) جنسیت: خانوارهای زن سرپرست به خانوارهایی که هیچ مرد بالغی در آن به علت طلاق، انحلال و جدایی، مهاجرت یا بیوگی وجود نداشته باشد یا خانوارهایی که اگرچه مرد بالغ وجود دارد، به خانوار کمک نمی‌کند؛ اطلاق می‌شود.^{۱۶} این گروه از زنان، از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند که نقش بازتولیدی آنان را مجبور به کار پاره‌وقت، انعطاف‌پذیر یا اشتغال خانگی می‌کند. اغلب این زنان فاقد مهارت‌های حرفه‌ای و تحصیلات هستند. در نتیجه از وضعیت اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نیستند. در این شرایط همراه با ضعف و فقدان منبع حمایتی و تأمین مالی و اجتماعی مؤثر که ناشی از ناکارآمدی سازوکار سازمان‌های حمایتی است، زمینه آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار بیش‌ازپیش فراهم می‌شود.^{۱۷}

ب) سن سرپرست خانوار: سن افراد به مثابه یکی از عوامل مؤثر در موقعیت آنان به منزله کسب‌کنندگان درآمد از دو طریق اثرگذار است. نخست آنکه بر طبق فرضیه دوران زندگی مدیگانی افراد در سنین جوانی و میان‌سالی، از بازدهی و کارایی بالاتری برخوردارند. دوم آنکه در سنین میان‌سالی، افراد با افزایش مهارت و تخصص، می‌توانند به مشاغل و پست‌های بالاتری دست پیدا کنند. به طور کلی، در صورت صدق فرضیه دوران زندگی، انتظار می‌رود خانوارهایی با سرپرستانی

15. Morduch, "The microfinance promise", 1569-1614.

16. Zahoor Hussain Javed and Ayesha Asif, "Female households and poverty: A case study of Faisalabad District," *International Journal of peace and development studies* 2, no. 2 (2011): 37-44.

۱۷. مرضیه براری، مرضیه مطهری اصل و سید جمال رضوی خراسانی، «بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی، اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان ۳، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۱): ۱۵۷-۱۸۰.

در سنین نوجوانی و پیری، در رده‌های پایین درآمدی قرار داشته باشند. در این وضعیت، تابع برآوردی باید نسبت به متغیر سن سرپرست خانوار محدب باشد. این شکل تابع در مطالعات مینس^{۱۸} در زمینه اثر آموزش بر درآمد دیده شده است.

ج) بُعد خانوار: یکی از ویژگی‌های جوامع سنتی، بالا بودن اندازه خانوار به دلیل نرخ بالای زادوولد، رشد جمعیت و ویژگی‌های اجتماعی آنان است. وجود تعداد زیادی بچه در یک خانواده باعث می‌شود که منابع تولید آن خانواده سریع‌تر به پایان برسد؛ چراکه این گستردگی خانوار که به طور عمده ناشی از افزایش تعداد جمعیت غیر مولد است؛ نه تنها سبب افزایش نیازهای فیزیکی خانوار می‌شود؛ بلکه باعث می‌گردد که مادر به عنوان یکی از افراد مولد خانواده برای سال‌های متمادی در خانه مانده و از بچه‌ها مراقبت نماید. در این خانواده‌ها اگر مادر شرایط ماندن در خانه را نپذیرد باید مبالغی را به افراد دیگر بپردازد تا در زمانی که او شاغل است از فرزند او مراقبت نماید.^{۱۹}

د) سطح تحصیلات: بر اساس نظریه سرمایه انسانی، منابع خانوار تابعی از سرمایه‌گذاری انسانی آن است و مهم‌ترین شاخصی که می‌توانیم برای بررسی سرمایه انسانی در چهارچوب اطلاعات موجود مدنظر قرار دهیم، سطح تحصیلات سرپرست خانوار است. در فرهنگ ایرانی، سرپرست خانوار نه تنها به منزله کسی که درآمد کسب می‌کند، بلکه به عنوان کسی که بیشترین سهم را در تصمیم‌گیری چگونگی هزینه کرد و اختصاص درآمد دارد، نقش مهمی در مخارج خانوار دارد؛ بنابراین سرپرست خانواری که بی‌سواد است و نمی‌تواند بخواند و بنویسد و محاسبه کند، تأثیر شایانی بر رفاه خانوار دارد. در واقع ارتقا سطح آموزش سرپرست خانوار سبب تصمیم‌گیری بهتر در افزایش مطلوبیت و بهره‌برداری از امکانات خانوار شده می‌تواند موجب کاهش فقر خانوار شود.^{۲۰}

۴-۲ ادبیات مخالف

علیرغم مقبولیت جهانی تأمین مالی خرد، شواهد و نظرات متفاوتی از مزایا و معایب آن وجود دارد. همانطور که بیان گردید یکی از اهداف اصلی تأمین مالی خرد اشتغال‌زایی و به دنبال آن مبارزه با فقر است. با این وجود و بنا به نظر برخی از کارشناسان شغل‌های جدید در پاسخ به تقاضای جدید ایجاد می‌شوند و با توسعه اقتصادی پیوند می‌یابند؛ مثلاً در شوروی سابق همیشه اشتغال کامل وجود داشت و همه افراد شاغل بودند. در واقع به طور رسمی نرخ بیکاری در شوروی سابق صفر بوده است. با این همه، در جامعه‌ای با سطح اشتغال کامل تمام‌کارها خوب

18. Jacob A. Mincer, *Schooling, Experience and Earning* (New York: Columbia University Press, 1974).

19. Morduch, "The microfinance promise," 1569-1614.

۲۰. علی اصغر سالم و جواد عرب یار محمدی، «عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پتل»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی ۲۶، شماره ۸۷ (پاییز ۱۳۹۷): ۷-۴۶.

پیش نمی‌رود؛ زیرا بیشتر شغل‌ها مصنوعی می‌باشند. در واقع می‌توان اشتغال ایجاد نمود منتهی اگر این اشتغال‌زایی با تقاضای واقعی برای کالاها و خدمات باکیفیت پیوند نداشته باشد، هیچ‌گونه نفعی برای اقتصاد به دنبال نخواهند داشت؛ و حتی حقوق و دستمزدی که برای کارکنان غیر بهره‌ور پرداخت می‌گردد سبب اتلاف منابع کمیاب خواهد شد. در عربستان امروزی نیز تقریباً همه مردم یا شغل دولتی دارند یا حداقل یارانه دولتی دریافت می‌نمایند. این ریخت‌وپاش منابع مالی برای یک کشور نفت‌خیز بیشتر به منظور راضی نگه‌داشتن مردم انجام می‌شود.^{۲۱} به طور کلی نظرات مخالف و موافقی در رابطه با طرح‌ها و روش‌های تأمین مالی خرد مطرح است. برخی از کارشناسان تأمین مالی خرد را نوعی از سیاست توسعه‌ای می‌دانند که هدف آن افزایش گستره سرمایه‌های کوچک افراد فقیر بوده و در راستای تسهیل درآمدزایی و ایجاد اشتغال عمل کرده و کیفیت زندگی افراد فقیر و کم‌درآمد را بهبود می‌بخشد. برخی دیگر از کارشناسان نیز نقدهایی را بر طرح‌های تأمین مالی خرد دارند که تعدادی از این نقدها عبارت است از:

- تأمین مالی خرد نقش «صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس» را نادیده می‌گیرد.
 - تأمین مالی خرد صرفاً ابزاری برای بدترکردن معیشت فقرا است؛ با افزایش نرخ بهره و هزینه وام، فقیر، فقیرتر و ثروتمند، ثروتمندتر می‌شود.
 - تأمین مالی خرد باعث صنعت‌زدایی اقتصاد شده و تورم ایجاد می‌کند.
 - تأمین مالی خرد قادر به ارتباط با دیگر شرکت‌ها نیست و با شرکت‌های اندازه بزرگ نمی‌تواند ارتباط برقرار کند.^{۲۲}
- به زعم بیتمن و چانگ^{۲۳}، مفهوم تأمین مالی خرد به پروژه جهانی شدن و تفویض‌السم ربط دارد که به دلیل هم‌جهت‌بودن مدل تأمین مالی خرد با مدل اقتصادی-اجتماعی مورد قبول جامعه بین‌المللی مبنی بر خویش-یاری و کارآفرینی فردی، هیچ‌گونه نقدی بر تأمین مالی خرد ارائه نمی‌شود و قویاً مورد حمایت دولت‌ها قرار می‌گیرد. آنها در نهایت به منزله یک مدل جایگزین برای تأمین مالی خرد، شرکت‌های مالی، اتحادیه‌های اعتباری، بانک‌های توسعه‌ای محلی، ملی و منطقه‌ای را پیشنهاد می‌دهند.

21. Arshad A Khan and et al, "Microfinance and poverty reduction: New evidence from Pakistan," *International Journal of Finance & Economics* 26, no. 3 (2021): 4723-4733.

22. Supriya Garikipati, "Microcredit and women's empowerment: Through the lens of time-use data from rural India," 719-750.

23. Milford Bateman and Ha-Joon Chang, "Microfinance and the illusion of development: From hubris to nemesis in thirty years," *World Economic Review* 1, (2012): 13-36.

۳. پیشینه تحقیق

مسئله فقر و فقرزدایی یک موضوع مهم جهانی است. فقر به منزله یک پدیده ناهنجار و هولناک مانعی برای توسعه پایدار بوده و زندگی انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. جوامع انسانی در طول تاریخ با مسائل گوناگونی مواجه بوده است که فقر یکی از دیرپاترین آنها است؛ و همواره مورد توجه همه جوامع، مکاتب فکری و سیاست‌گذاران کلان کشورها جهت کاهش یا امحای فقر در حوزه علوم اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. در ادامه برخی از مطالعاتی را که در دو دهه اخیر در این زمینه در داخل و خارج از کشور صورت پذیرفته، به طور اجمالی بیان می‌شود.

آبرا و اسفاو^{۲۴} (۲۰۱۹) در مطالعه خود برای کشور اتیوپی بیان داشت که فقر بر زندگی مردم در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به طور کلی و در روستاییان به طور خاص بسیار تأثیرگذار است. آسیب‌پذیری زیاد، کمبود آموزش و خدمات پزشکی، مشارکت کمتر در فعالیت‌های مختلف تصمیم‌گیری از مهم‌ترین مشکلات مردم روستا است. وی هدف اصلی پژوهش خود را پاسخ به این سؤال قرارداد که آیا ارائه خدمات مالی خرد تغییراتی در استاندارد زندگی مشتریان ایجاد کرده است یا خیر. نتایج نشان داد که اگر خدمات گسترده و پایدار باشد، این برنامه با گسترش بازار مالی، تأثیر مثبتی خواهد داشت.

مسعود و جاواریا^{۲۵} (۲۰۲۰) به بررسی تأمین اعتبار خرد در توانمندسازی زنان و ریشه‌کنی فقر در پاکستان پرداخته و نتیجه گرفتند که مشارکت در برنامه مالی اعتبار خرد، فقر در پاکستان را ریشه‌کن می‌کند و از طریق ریشه‌کن کردن فقر به زنان در پاکستان قدرت می‌بخشد و آگاهی و مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیری را در پی دارد.

مؤتمنی^{۲۶} (۲۰۱۷) در مطالعه خود به بررسی اثر تأمین مالی خرد بر توزیع درآمد پرداخته و نشان داد که تأمین مالی خرد مبتنی بر انباشت و تقسیم ریسک سبب کاهش در نابرابری درآمد می‌شود.

بلوچیان و شیری^{۲۷} (۱۳۹۶)، به مطالعه تأثیر برنامه تأمین مالی خرد در کاهش فقر خانوار در

24. Abera Nigusu, and Milkessa Asfaw, "Impact of Microfinance on Rural Household Poverty in Ethiopia: A Review," *Journal of Economics and Sustainable Development* 10, no. 23 (2019): 1-10.

25. Masood Omar, and Kiran Javaria, "Impact of micro-credit financing on women's empowerment and poverty eradication: an empirical evidence from Pakistan," *International Journal of Entrepreneurship and Small Business* 39, no. 4 (2020): 548-563.

26. Motameni Mani, "A novel analysis of risk sharing effects on income inequality in informal insurances," *Iranian Economic Review* 21, no. 2 (2017): 230-240.

۲۷. مهسا بلوچیان و طهمورث شیری، «مطالعه تأثیر برنامه تأمین مالی خرد در کاهش فقر خانوار مورد مطالعه: گروه‌های خودیار روستاهای شهرستان چرداول در استان ایلام»، اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی در جامعه (پاییز ۱۳۹۶).

گروه‌های خودیاری روستاهای شهرستان چرداول در استان ایلام پرداختند. نتایج نشان داد که تأثیرات برنامه را می‌توان در سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و روانی دسته‌بندی کرد.

درودی و همکاران^{۲۸} (۱۳۹۸)، به تحلیل اثرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی در شهرستان رضوانشهر پرداختند. اعتبارات خرد با ایجاد سرمایه لازم می‌تواند سبب کاهش مهاجرت روستاییان شود. نتایج نشان داد که بین اثرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی و توسعه بخش کشاورزی در سطح ۹۹ درصد رابطه معناداری برقرار است. همچنین اعطای اعتبارات خرد کاهش فقر، اشتغال‌زایی و توانمندسازی را به دنبال دارد.

دماری و همکاران^{۲۹} (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به مطالعه برنامه کشوری تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی در سازمان بهزیستی ایران پرداختند. نتایج نشان داد علیرغم خدمات ارائه‌شده در برنامه کشوری تأمین مالی خرد، این برنامه با چالش‌هایی در سطح دولت و ذی‌نفعان خارجی و قوانین بانکی مواجه است.

مروری بر مطالعات انجام‌شده داخلی و خارجی در حیطه پژوهش حاضر که به شیوه‌های متفاوتی حاصل شده‌اند، نشانگر آن است که تأمین مالی خرد بر فقر خانوارها، زنان و روستاییان تأثیر مطلوب دارد. زمینه‌های نوآوری پژوهش حاضر آن است که به بررسی اثر تأمین مالی خرد بر احتمال فقر خانوارها به صورت جداگانه برای مناطق شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۹۸ و به شیوه‌ای متفاوت از سایر پژوهش‌ها در زمینه محاسبه خط فقر می‌پردازد.

۴. ارائه الگو، روش پژوهش و توصیف داده‌ها

۴-۱ ارائه الگو و روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر تأمین مالی بر احتمال خروج از فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران است. بدین منظور با بهره‌گیری از ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۸ و خط فقر محاسباتی، خانوارهای فقیر از غیر فقیر تفکیک و میزان این تأثیرگذاری برآورد می‌شود. برای انجام این کار، لازم است رابطه‌ی تبعی میان فقر خانوارها و متغیرهای تأثیرگذار بر آن فرموله شود. از آنجاکه متغیر وابسته این پژوهش یعنی فقر خانوار، یک متغیر کیفی دو حالتی است که تنها مقادیر یک (فقیر)

۲۸. هما درودی، بهمن جوان، و فرهاد جوان، «تحلیل اثرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی مطالعه موردی: شهرستان رضوانشهر»، پنجمین همایش بین‌المللی علوم و تکنولوژی با رویکرد توسعه پایدار (تابستان ۱۳۹۸).

۲۹. بهزاد دماری، علیرضا حیدری، حبیب‌اله مسعودی فرید، و آرزو ذکایی، «برنامه کشوری تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی در سازمان بهزیستی ایران: اهداف، الگوی خدمت، چالش‌ها و راه آینده»، سلامت اجتماعی ۷، شماره ۴ (پاییز ۱۳۹۹): ۳۹۳-۴۰۲.

یا صفر (غیر فقیر) را اختیار می‌کند؛ از این رو از نوع متغیر وابسته محدود است و حاصل رگرسیون یک عدد است که حالت احتمال به خود می‌گیرد و می‌توان از مدل‌های انتخاب دوتایی؛ لاجیت یا پروبیت (Logit and Probit) استفاده نمود. بر همین اساس از یک مدل احتمال استفاده می‌شود که به وسیله آن احتمال خروج از فقر خانوارها را به میزان تسهیلات مالی دریافتی و بعد خانوار و همچنین ویژگی‌های اجتماعی سرپرستان آنها از جمله جنسیت، سن و سطح تحصیلات مرتبط می‌کند. جهت شناسایی خانوارهای فقیر از خط فقر Z استفاده می‌شود که در این مطالعه بر مبنای روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوار محاسبه می‌گردد. جهت جلوگیری از بروز خطا در تشخیص خانوارهای فقیر، علاوه بر لحاظ نمودن بُعد خانوار در محاسبه خط فقر، به دلیل وجود تفاوت‌های جغرافیایی در مناطق مختلف کشور، خط فقر به شکل استانی برای مناطق شهری و روستایی ایران برای خانوار ۴ نفره محاسبه می‌گردد. به نحوی که استان‌های کشور به مثابه خوشه‌ها در نظر گرفته شده است. در داده‌های تابلویی معمولاً مقاطع انفرادی با دوره زمانی همراه است. ساختار خطا بدین شکل است که اثرات تصادفی برای هر فرد یا مقطع وجود دارد. در پژوهش حاضر، استان‌ها نقش مقطع و خانوارهای هر استان نقش سری زمانی را دارد. به این ترتیب برای خانوار h در خوشه c داریم:

$$y_{ch}^* = \mu_c + X'_{ch}\beta + \varepsilon_{ch} \quad c = 1, 2, \dots, C; \quad h = 1, 2, \dots, H \quad (1)$$

y_{ch}^* متغیر مشاهده شده پنهانی (Observed Latent Variable)، X برداری از عوامل مؤثر، β بردار پارامترها و ε_h جزء خطا است. جزء μ_c نشان‌دهنده اثرات ثابت یا تصادفی هر خوشه و H تعداد خانوار در خوشه c است. با توجه به متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر، رابطه (۱) به صورت زیر بازنویسی می‌شود:

$$y_{ch}^* = \mu_c + \beta_1 \ln Loan_{ch} + \beta_2 Gender_{ch} + \beta_3 Age_{ch} + \beta_4 Age_{ch}^2 + \beta_5 Education_{ch} + \beta_6 Familysize_{ch} + \varepsilon_{ch} \quad (2)$$

در روابط (۱) و (۲) y_{ch}^* ، به منزله متغیر وابسته (فقر خانوار) است که به سبب کیفی بودن به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P(y_{ch} = 1) = P(y_{ch}^* > 0) = F(\mu_c + x'_{ch}\beta) \quad (3)$$

x_{ch} هزینه خانوار h در خوشه c است. با توجه به این الگو x_{ch} مشاهده نمی‌گردد مگر آنکه y و بردار ویژگی‌های x مشاهده شود.^{۳۰} متغیرهای توضیحی در رابطه (۲) عبارت است از:

۳۰. کمال غضنفری اقدم و زهرا میلا علمی، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران (رویکرد داده‌های شبه تابلویی)»، نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی ۱۱، شماره ۲۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۸): ۲۵-۵۳.

Loan نشان‌دهنده میزان تسهیلات مالی دریافتی خانوار است که یک متغیر کمی است. *Gender* نشان‌دهنده جنسیت سرپرست خانوار، یک متغیر کیفی دوحالتی است که مرد بودن سرپرست را با کد یک و زن بودن سرپرست را با کد صفر نمایش می‌دهد. *Age* نشان‌دهنده سن سرپرست خانوار است که یک متغیر کمی است و Age^2 مجذور سن سرپرست خانوار است. *Education* نشان‌دهنده میزان تحصیلات سرپرست خانوار، یک متغیر کیفی ترتیبی است که به صورت بی‌سواد کد یک، تحصیلات ابتدایی کد دو، تحصیلات متوسطه کد سه، تحصیلات دیپلم کد چهار، تحصیلات کاردانی و کارشناسی کد پنج و تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر با کد شش تعریف می‌شود. *Familysize* نشان‌دهنده بعد خانوار است که متغیری کمی است. مطابق با مبانی نظری انتظار می‌رود تسهیلات دریافتی خانوارها، مرد بودن سرپرست، سطح تحصیلات بالاتر سرپرست، سن سرپرست سبب خروج از فقر احتمالی و بعد خانوار و مجذور سن سرپرست سبب افزایش احتمال فقر خانوارها گردد. لازم به ذکر است رابطه (۲) به صورت جداگانه برای مناطق شهری و روستایی و کل کشور برآورد خواهد شد. طبق رابطه (۳)، $\gamma_{ch} = 1$ معادل با فقیر بودن در نظر گرفته شده است. جهت شناسایی خانوارهای فقیر از غیر فقیر از خط فقر استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر، خط فقر بر اساس روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوار به صورت استانی محاسبه می‌شود. طبق این روش، ابتدا سرانه هزینه خانوار محاسبه می‌شود و سپس ۶۶ درصد میانگین این هزینه برای تمامی خانوارهای موجود در مناطق مشخص (شهری و روستایی به صورت استانی) تعیین می‌شود و در پایان چهار برابر این رقم به عنوان خط فقر یک خانوار چهار نفره محسوب می‌شود؛ از این رو خانوارهایی که سرانه هزینه‌شان از خط فقر پایین‌تر باشد، فقیر محسوب شده و در غیر این صورت غیر فقیرند. نمونه مورد بررسی شامل ۱۹۸۹۸ خانوار شهری و ۱۸۴۳۰ خانوار روستایی است. خط فقر محاسباتی حاکی از آن است که برای فقیر محسوب نشدن یک خانوار چهار نفره در مناطق شهری، حداقل هزینه ۲۹۲۵۵۸۲ تومانی لازم است و این رقم در مناطق روستایی برابر با ۱۸۵۲۲۸۴ تومان است. بر این اساس خط فقر در مناطق شهری بالاتر از مناطق روستایی است. همچنین درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری (با اختلاف ۲/۱ درصد) بیش از مناطق روستایی است.

۵. برآورد الگو و ارائه نتایج

در این بخش نتایج حاصل از برآورد الگوی (۲) برای کل کشور؛ و مناطق شهری و روستایی به ترتیب در جداول (۱) و (۲) ارائه شده است. در تمامی برآوردها بر اساس آماره آزمون والد معناداری کل رگرسیون تأیید و مطابق با آماره آزمون نسبت درست‌نمایی، استفاده از مدل لاجیت داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

- برآورد الگوی پژوهش برای کل کشور

در جدول (۱) نتایج حاصل از برآورد الگوی (۲) به شیوه تصادفی برای کل کشور حاکی از معناداری تمامی ضرایب برآوردی متغیرها در سطح اطمینان ۹۰ درصد است. مطابق با انتظار نظری تسهیلات مالی دریافتی خانوارها اثر معکوس بر احتمال فقر خانوارها دارد. مطابق با اثر نهایی یک درصد افزایش در دریافت تسهیلات مالی به میزان ۵/۸ درصد از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. تسهیلات مالی این امکان را به افراد می‌دهد تا کسب‌وکار و تجارت خود را آغاز نمایند و فعالیت‌های درآمدزا انجام دهند. جنسیت سرپرست خانوار اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. به نحوی که مطابق با اثر نهایی مرد بودن سرپرست خانوار، احتمال فقر خانوار را به میزان ۵/۸ درصد نسبت به زمانی که سرپرست خانوار زن باشد کاهش می‌دهد. خانوارهایی که در آن هیچ مرد بالغی به دلیل فوت، مهاجرت، طلاق و انحلال وجود نداشته باشد، زنان سرپرست برای کسب درآمد به مشاغلی روی می‌آورند که به دلیل عدم تخصص و مهارت کافی از درآمد مناسبی برخوردار نمی‌گردند؛ از این رو همین امر باعث می‌گردد خانوارهای زن سرپرست در رده‌های پایین درآمدی جای بگیرند. سن سرپرست خانوار اثر منفی و مجذور سن سرپرست اثر مثبت بر احتمال فقر خانوار دارد که نشان‌دهنده رابطه U شکل میان سن سرپرست خانوار و احتمال فقر خانوار است. افراد در سنین جوانی و میان‌سالی به دلیل بهره‌مندی از کارایی بالا و نیز امکان افزایش روزافزون در تخصص و مهارت شغلی به مثابه منبع درآمد، باعث می‌گردد در مقایسه با افرادی که در سنین نوجوانی و پیری می‌باشند در رده‌های بالای درآمدی جای بگیرند.

جدول شماره (۱): نتایج برآورد الگوی پژوهش برای کل خانوارها با اثرات تصادفی

متغیر	ضریب	احتمال	اثر نهایی
تسهیلات مالی	-۰/۴۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۸
* جنسیت	-۰/۳۴	۰/۰۲۷	-۰/۰۵۱
سن	-۰/۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۴
مجذور سن	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۱
تحصیلات	-۰/۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۹
بعد خانوار	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹
Statistic LR = ۲۱/۴		Log likelihood = -۱۹۵۹/۹	
Number of obs = ۴۵۰۴		Statistic W = ۵۱۱/۵	

* اثر نهایی برای متغیرهای مجازی، به صورت تغییر از ۰ به ۱ است. منبع: یافته‌های پژوهش

سطح تحصیلات سرپرست خانوار اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. اثر نهایی نشان می‌دهد که افزایش در سطح تحصیلات سرپرست به میزان $5/9$ درصد سبب کاهش فقر خانوار می‌گردد. تحصیلات و افزایش سطح تحصیلات به مثابه یک سرمایه انسانی بر ماهیت کسب درآمد در پی تخصصی شدن مشاغل و نیز مدیریت مخارج خانوار تأثیرگذار است. سرپرست خانوار به منزله کسی که درآمد کسب می‌کند در هزینه‌کرد و تخصیص درآمد نیز نقش ویژه‌ای دارد. سرپرست خانوار تحصیل کرده به دلیل توانایی در خواندن، نوشتن و حساب کردن در مقایسه با سرپرست خانواری که بی‌سواد است تأثیرگذاری بیشتری بر سطح رفاه خانوارها دارد. همچنین بعد خانوار تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد. به نحوی که بر اساس اثر نهایی با افزایش هر عضو خانوار $7/9$ درصد بر میزان فقر خانوار افزوده می‌گردد. در یک خانواده پرجمعیت به دلیل تعداد فرزندان و به دنبال آن مخارج بالا، خانوارها مجبور به کاهش هزینه‌های مربوط به تغذیه، آموزش و بهداشت فرزندان خود می‌شوند و در بسیاری از مواقع مجبور به جلوگیری از تحصیل فرزندان خود می‌گردند که از طرفی کاهش تحصیلات بر احتمال فقر آنها در آینده می‌افزاید.

- برآورد الگوی پژوهش برای مناطق شهری و روستایی

در جدول (۲) نتایج حاصل از برآورد الگوی (۲) به شیوه تصادفی برای مناطق شهری و روستایی ارائه شده است. ضرایب برآوردی (به غیر از متغیر جنسیت در مناطق شهری و مجذور سن در مناطق روستایی) در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار است. مطابق با انتظار نظری تسهیلات مالی دریافتی خانوارها در مناطق شهری و روستایی به ترتیب با ضریب $6/2-$ و $5/1-$ درصد اثر معکوس بر احتمال فقر خانوارها دارد. در مناطق شهری سن سرپرست خانوار اثر منفی و مجذور سن سرپرست اثر مثبت بر احتمال فقر خانوار دارد که نشان‌دهنده رابطه U شکل میان سن سرپرست خانوار و احتمال فقر خانوار در مناطق شهری است. این در حالی است که در مناطق روستایی رابطه مذکور وجود ندارد و تنها ضریب متغیر سن سرپرست خانوار معنادار است. سطح تحصیلات سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی به ترتیب با ضریب $9/8-$ و $6/6-$ درصد تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد. جنسیت سرپرست خانوار تنها در مناطق روستایی اثر معناداری بر احتمال فقر خانوار دارد. بدین معنا که نخست، مرد یا زن بودن سرپرست خانوار در مناطق شهری ارتباطی با احتمال فقیر بودن خانوارها ندارد و دوم، مرد بودن سرپرست خانوار در مناطق روستایی، احتمال فقر خانوار را به میزان $7/7$ درصد نسبت به زمانی که سرپرست خانوار زن باشد کاهش می‌دهد.

جدول شماره (۲): نتایج برآورد برای مناطق شهری و روستایی با اثرات تصادفی

مناطق روستایی			مناطق شهری			متغیر
اثر نهایی	احتمال	ضریب	اثر نهایی	احتمال	ضریب	
-۰/۰۵۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۹	-۰/۰۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۴۹	تسهیلات مالی
-۰/۰۷۷	۰/۰۳۶	-۰/۵۱	-۰/۰۱۶	۰/۵۷۴	-۰/۱۲	*جنسیت
-۰/۰۰۹	۰/۰۲۷	-۰/۰۷۱	-۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۷	سن
۰/۰۰۰۰۵	۰/۱۷۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۳	مجذور سن
-۰/۰۶۰۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۶	-۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۶۲	تحصیلات
۰/۰۶۶	۰/۰۰۰	۰/۵	۰/۰۹۸	۰/۰۰۰	۰/۷۷	بعد خانوار
آماره آزمون‌ها						
۱۰/۴			۱۶/۸			Statistic LR
-۸۳۷/۵			-۱۰۶۶/۴			Log likelihood
۱۶۸			۳۸۴/۸			Statistic W

* اثر نهایی برای متغیرهای مجازی، به صورت تغییر از ۰ به ۱ است. منبع: یافته‌های پژوهش

- مقایسه ضرایب برآوردی در مناطق شهری و روستایی

این قسمت در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا اساساً تفاوت معناداری در ضرایب برآوردی متغیرهای مشابه در مناطق شهری با روستایی وجود دارد یا خیر؟ به عبارتی دیگر آیا اندازه اثرپذیری احتمال فقر از متغیری معین در مناطق شهری از نظر آماری متفاوت از مناطق روستایی است یا خیر؟ برای این منظور از آزمون تفاضل میانگین استفاده شده است. لازم به ذکر است که برای متغیرهای جنسیت و مجذور سن این آزمون صورت نمی‌پذیرد؛ زیرا ضریب برآوردی عامل جنسیت برای مناطق شهری معنادار نبوده و در نتیجه اثر این عامل در مناطق روستایی تفاوت معناداری بر احتمال فقیر بودن خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری دارد. بدین نحو که در مناطق شهری تفاوت معناداری در احتمال فقیر بودن خانوارهای مرد سرپرست با خانوارهای زن سرپرست وجود ندارد، ولی در مناطق روستایی احتمال فقیر بودن خانوارهای زن سرپرست بیش از خانوارهای مرد سرپرست است. همچنین ضریب برآوردی عامل مجذور سن برای مناطق روستایی معنادار نبوده و در نتیجه اثر این عامل در مناطق شهری تفاوت معناداری بر احتمال فقیر بودن خانوارهای شهری نسبت به خانوارهای روستایی دارد. با توجه به توضیحات ارائه شده

جهت مقایسه ضرایب سایر متغیرها، آماره t محاسبه و در جدول (۳) گزارش شده است. مطابق با جدول (۳)، ضرایب برآوردی کلیه متغیرها برای مناطق شهری تفاوت معناداری از مناطق روستایی دارد. به نحوی که تسهیلات مالی دریافت‌شده خانوارها در مناطق شهری با احتمال بالاتری نسبت به مناطق روستایی سبب خروج از فقر خانوارها می‌گردد. بدین توضیح که در مناطق شهری، احتمال خروج از فقر خانوارهایی که تسهیلات مالی دریافت نموده‌اند به میزان ۱/۱ درصد از احتمال خروج از فقر خانوارهای بهره‌مند از تسهیلات مالی در مناطق روستایی بیشتر است. اثر سن سرپرست خانوار در کاهش فقر خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. بدین توضیح که افزایش سن سرپرست خانوار در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی در کاهش احتمال فقر خانوارها مؤثر است. به نحوی که با گذر سن سرپرست خانوار از دوره جوانی به میان‌سالی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی ۱/۳ درصد بیشتر از احتمال فقیربودن خانوارها می‌کاهد.

جدول شماره (۳): مقایسه ضرایب برآوردی در مناطق شهری و روستایی

آماره t تفاضل ضریب شهری از روستایی	تفاضل ضریب شهری از روستایی	مناطق روستایی		مناطق شهری		متغیر
		انحراف معیار	ضریب	انحراف معیار	ضریب	
۴۱/۸**	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹۲	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۸	-۰/۰۶۲	تسهیلات مالی
۱۰۹/۵**	۰/۰۱۳	۰/۰۰۴۱	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۳۷	-۰/۰۲۲	سرپرست
۶۸**	۰/۰۱۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۶۰۴	۰/۰۰۷۲	-۰/۰۷۸	تحصیلات
۱۳۹/۲**	۰/۰۳۲	۰/۰۰۷	۰/۰۶۶	۰/۰۰۸۴	۰/۰۹۸	بعد خانوار

** بیانگر معناداری آماره محاسباتی در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. منبع: یافته‌های پژوهش

اثر تحصیلات سرپرست خانوار در کاهش فقر خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. بدین مفهوم که ارتقای سطوح تحصیلی در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی در کاهش احتمال فقر خانوارها مؤثر است. به نحوی که احتمال افزایش هر سطح تحصیلی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی ۱/۷ درصد بیشتر از احتمال فقیربودن خانوارها می‌کاهد. بُعد خانوار در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی به میزان بیشتری بر احتمال فقیربودن خانوارها می‌افزاید. بدین نحو که با اضافه شدن هر نفر به اعضای خانوار در مناطق شهری به میزان ۳/۲ درصد بیشتر بر احتمال فقر خانوارها نسبت به مناطق روستایی افزوده می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر به تحلیل اثر تأمین مالی خرد بر احتمال خروج از فقر خانوارها در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته است. در ابتدا با بهره‌گیری از ریزداده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۸، خط فقر بر مبنای روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوارهای شهری و روستایی (به صورت کلی و به تفکیک استان‌ها) محاسبه و خانوارهای فقیر از غیر فقیر تفکیک شدند. خط فقر محاسباتی برای خانوارهای به طور متوسط چهار نفره شهری و روستایی به ترتیب ۲۹۲۵۵۸۲ تومان و ۱۸۵۲۲۸۴ تومان حاصل شد. در ادامه، برآورد الگوی پژوهش با متغیر وابسته محدود بر مبنای داده‌های شبه تابلویی و به روش اثرات تصادفی در رگرسیون لجستیک در ۳ قالب جداگانه برای کل کشور، مناطق شهری و روستایی انجام شد. نتایج بدین شرح است:

۱. در کل کشور، مطابق انتظار تسهیلات مالی اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. طبق اثر نهایی یک درصد افزایش در دریافت تسهیلات مالی به میزان ۵/۸ درصد از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. همچنین مرد بودن سرپرست، سن سرپرست و سطح تحصیلات سرپرست خانوار تأثیر معکوس و معنادار و مجذور سن سرپرست و بعد خانوار تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد.

۲. در مناطق شهری، مطابق انتظار تسهیلات مالی اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. طبق اثر نهایی یک درصد افزایش در دریافت تسهیلات مالی به میزان ۶/۲ درصد از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. همچنین سن و سطح تحصیلات سرپرست خانوار تأثیر معکوس و مجذور سن سرپرست و بعد خانوار تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد.

۳. در مناطق روستایی، مطابق انتظار تسهیلات مالی اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. مطابق با اثر نهایی یک درصد افزایش در دریافت تسهیلات مالی به میزان ۵/۱ درصد از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. همچنین مرد بودن سرپرست، سن سرپرست و سطح تحصیلات سرپرست خانوار تأثیر معکوس و بعد خانوار تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد.

همچنین مقایسه ضرایب برآوردی در مناطق شهری و روستایی نشان داد که نخست، احتمال خروج از فقر خانوارهای شهری برخوردار از تسهیلات مالی نسبت به خانوارهای روستایی برخوردار از این تسهیلات، به میزان ۱/۱ درصد بیشتر است. دوم، اثرگذاری مطلوب سن و تحصیلات سرپرست خانوار در کاهش احتمال فقر خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. سوم، تأثیر نامطلوب بعد خانوار در افزایش احتمال فقر خانوارها در مناطق

شهری بیش از مناطق روستایی است. با توجه به تأثیر مطلوب تسهیلات مالی بر احتمال فقر خانوارها پیشنهاد می‌گردد بستر لازم جهت ارائه تسهیلات مالی به خانوارهای کم‌درآمد فراهم شود؛ همچنین در سیاست‌های مقابله با فقر، خانوارهایی که دارای سرپرست کهن‌سال، با سطح تحصیلات پایین، تعداد اعضای بالا، زن سرپرست و ساکن مناطق روستایی هستند، در اولویت توجه قرار گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی

- براری، مرضیه، مرضیه مطهری اصل و سید جمال رضوی خراسانی. «بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی، اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان ۳، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۱): ۱۵۷-۱۸۰.
- بلوچیان، مهسا، و طهمورث شیری. «مطالعه تأثیر برنامه تأمین مالی خرد در کاهش فقر خانوار مورد مطالعه: گروه‌های خودیار روستاهای شهرستان چرداول در استان ایلام»، اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی در جامعه (پاییز ۱۳۹۶).
- خاکی، نرگس. «کاهش فقر و تأمین مالی خرد (مطالعه موردی بانک کشاورزی)»، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار ۲، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۸): ۱۱۱-۱۳۶.
- درودی، هما، بهمن جوان، و فرهاد جوان. «تحلیل اثرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی مطالعه موردی: شهرستان رضوانشهر»، پنجمین همایش بین‌المللی علوم و تکنولوژی با رویکرد توسعه پایدار (تابستان ۱۳۹۸).
- دماری، بهزاد، علیرضا حیدری، حبیب‌اله مسعودی فرید، و آرزو ذکایی. «برنامه کشوری تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی در سازمان بهزیستی ایران؛ اهداف، الگوی خدمت، چالش‌ها و راه‌آینده»، سلامت اجتماعی ۷، شماره ۴ (پاییز ۱۳۹۹): ۳۹۳-۴۰۲.
- غضنفری اقدم، کمال، و زهرا میلا علمی. «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران (رویکرد داده‌های شبه تابلویی)»، نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی ۱۱، شماره ۲۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۸): ۲۵-۵۳.
- سالم، علی اصغر، و جواد عرب یار محمدی. «عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی ۲۶، شماره ۸۷ (پاییز ۱۳۹۷): ۷-۴۶.
- محقق‌نیا، محمدجواد، و علی‌اکبری باوفا گلیان. «شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی ۱۷، شماره ۶۵ (تابستان ۱۳۹۶): ۱۹۹-۲۲۲.
- مرکز آمار ایران. ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی (۱۳۹۸).
- مزدارانی، هنگامه، حسین وزیری ستا، و مژگان رضایی. «فرهنگ فقر مانعی برای رسیدن به توسعه پایدار»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی (پاییز ۱۳۹۴): ۴-۷.

ب- منابع لاتین

- Abera, Nigusu, and Milkessa Asfaw. "Impact of Microfinance on Rural Household Poverty in Ethiopia: A Review." *Journal of Economics and Sustainable Development* 10, no. 23 (2019): 1-10.
- Badru, Pade. *International banking and rural development: The World Bank in Sub-Saharan Africa*. Routledge (1998): 94-97.

- Bateman, Milford, and Ha-Joon Chang. "Microfinance and the illusion of development: From hubris to nemesis in thirty years." *World Economic Review* 1, (2012):13-36.
- Bellù, Lorenzo Giovanni, and Paolo Liberati. "Impacts of policies on poverty. Absolute poverty lines." *Munich Personal RePEc Archive*, no. 44647 (2005): 1-22.
- DeLoach, Stephen B., and Erika Lamanna. "Measuring the impact of microfinance on child health outcomes in Indonesia." *World Development* 39, no. 10 (2011): 1808-1819.
- Garikipati, Supriya. "Microcredit and women's empowerment: Through the lens of time-use data from rural India." *Development and Change* 43, no. 3 (2012): 719-750.
- Javed, Akhtar, Abdul. Quddus, and Zoya. Khanam. "An Empirical Analysis of the Impact of Microfinance on Poverty Alleviation :(A Case Study of District Sahiwal)." *International Review of Social Sciences* 2, no.12 (2015): 540-548.
- Javed, Zahoor Hussain, and Ayesha Asif. "Female households and poverty: A case study of Faisalabad District." *International Journal of Peace and Development Studies* 2, no. 2 (2011): 37-44.
- Javid, Attiya Yasmin, and Afsheen Abrar. "Microfinance institutions and poverty reduction: A cross regional analysis." *The Pakistan Development Review* 54, no. 4 (2015): 371-387.
- Khan, Arshad A., Sufyan U. Khan, Shah Fahad, Muhammad AS Ali, Aftab Khan, and Jianchao Luo. "Microfinance and poverty reduction: New evidence from Pakistan." *International Journal of Finance & Economics* 26, no. 3 (2021): 4723-4733.
- Masood, Omar, and Kiran Javaria. "Impact of micro-credit financing on women's empowerment and poverty eradication: an empirical evidence from Pakistan." *International Journal of Entrepreneurship and Small Business* 39, no. 4 (2020): 548-563.
- Mincer, Jacob. *Schooling, Experience and Earning*. New York: Columbia University Press, 1974.
- Morduch, Jonathan. "The microfinance promise." *Journal of economic literature* 37, no. 4 (1999): 1569-1614.
- Motameni, Mani. "A novel analysis of risk sharing effects on income inequality in informal insurances." *Iranian Economic Review* 21, no. 2 (2017): 230-240.
- Tedeschi, Gwendolyn. "Microfinance: assessing its impact on microenterprises." *Contemporary Microenterprise: Concepts and Cases* (2010): 116-128.
- Townsend, Peter. "A sociological approach to the measurement of poverty—a rejoinder to Professor Amartya Sen." *Oxford economic papers* 37, no. 4 (1985): 659-668.
- Yunus, M. Microcredit summit campaign (1999).